



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Choice and Change

Vayigash

ویگش: گزینش و تحول شخصیت

باب ۳۷ تا ۵۰ برشیت بلندترین روایت مُمتد در توراہ است و بیشک می دانیم چه کسی قهرمان آن است: یوسف. داستان با او آغاز و با او ختم می شود. او را در کودکی می بینیم که محبوب و حتی نازپروردهی پدرش است؛ همچون نوجوانی رؤیابین که برادرانش از او نفرت دارند؛ همچون برده و سپس یک زندانی در مصر؛ بعد، همچون دومین فرد قدرتمند بزرگترین امپراتوری دنیای باستان. در هر مرحله، روایت دور محور او و تأثیرش بر دیگران می چرخد. یوسف یک سوم آخر سفر پیدایش را به خود اختصاص داده و سایه‌ی خود را بر هر چیز دیگر افکنده است. از همان ابتدا به نظر می رسد که او به بزرگی خواهد رسید.

اما تاریخ آن گونه پیش نرفت. برعکس، برادر دیگر است که زندگی قوم یهود را رقم می زند. به واقع، ما نام او را بر روی خود داریم. خاندان عهد با خدا با چند نام شناخته می شوند. یکی ایوری یا عبرانی (احتمالاً در پیوند با نام باستانی ایپرو) به معنای "بیگانه، غریبه، صحراگرد، کسی که از جایی به جایی دیگر می رود." دیگران این گونه ابراهیم و

فرزندان او را می شناختند. دومین نام، اسرائیل است که نام جدید یعقوب پس از "گشتی او با خدا و با انسان و پیروز شدن" بود. اما پس از تقسیم سلطان نشین یهودیان و فتح بخش شمالی آن توسط آشوریان، به آنها یهودیم یا یهودیان گفته شد، زیرا قبیله‌ی یهودا بر سلطان نشین جنوب حاکم بود و آنها بودند که از اسارت بابل نجات یافتند. بنابر این، نه یوسف، بلکه یهودا بود که هویت خود را به قوم داد و نیاکان بزرگترین پادشاه یهود یعنی داوود شد. و ماشیح نیز از پشت یهودا خواهد بود. چرا یهودا و نه یوسف؟ پاسخ، به روشنی در آغاز پاراشای وییگش هنگامی که دو برادر با یکدیگر رویاروی می شوند و یهودا برای آزادی بنیامین التماس می کند، داده می شود.

کلید فهم این نکته در چندین باب قبل در آغاز داستان یوسف است. در آنجا می بینیم که یهودا بود که پیشنهاد فروختن یوسف به بردگی را به برادران داد:

یهودا به برادران گفت: "از کشتن برادر و پوشاندن خون او چه عایدمان می شود؟ بیاید او را به عرب ها بفروشیم و با دستان خود به او آسیبی نرسانیم. گذشته از هر چیز او برادر ماست، از گوشت و خون ماست." برادران پذیرفتند. پیدایش ۲۶-۲۷: ۳۷

این سخنان، حاکی از سنگدلی هیولواوری است. هیچ کلامی از شرارت ارتکاب به قتل یا حتی حسابگری عمل گرایانه در کار نیست: "چه عایدمان می شود؟". در همان لحظه که او یوسف را "از گوشت و خون ما" توصیف می کند، پیشنهاد فروش او به بردگی را می دهد. یهودا بویی از اصالت تراژیک رئوون که فقط او از میان برادران این کار را خطا دانست و تلاشی ناموفق برای نجات یوسف کرد، نبرده است. در این مرحله، یهودا آخرین کسی است که از او انتظار کارهای بزرگ می رود.

اما یهودا بیش از هر کسی در تورا تغییر می کند. مردی که در تمام سال های پس از آن می بینیم، با آنچه بود متفاوت است. آن زمان او آماده بود برارش را به بردگی بفروشد. اینک او آماده‌ی رنج کشیدن است تا بنیامین به بردگی گرفته نشود. او به یوسف می گوید:

اینک سرورم، بگذار من اینجا به جای این پسر به عنوان برده‌ی آن عالیجناب بمانم و بگذار او با برادرنش برود. چگونه می توانم بدون او نزد پدرم بازگردم؟ قادر به تحمل دیدن رنج و عذاب پدرم نخواهم بود. پیدایش ۳۳-۳۴: ۴۴

این دقیقاً گونه ای معکوس شدن شخصیت است. سنگدلی جای خود را به دلسوزی داده است. بیتفاوتی او به سرنوشت برادرش به شجاعت به خاطر برادر تبدیل شده است. او آماده‌ی رنجی است همسان با آنچه روزی به یوسف رواداشت تا بنیامین به چنان سرنوشتی دچار نشود. در این لحظه، یوسف هویت خود را آشکار می‌کند. یهودا آزمونی که یوسف به دقت برای او طراحی کرده بود را با موفقیت از سر می‌گذراند. یوسف می‌خواهد بداند آیا یهودا تغییر کرده است؟ بله او دگرگون شده است.

این لحظه ای مهم در تاریخ روح بشری است. یهودا نخستین توبه کرده [توضیح مترجم فارسی: بازگشته به سوی خدا] در توراه است، یعنی نخستین بَعْل هتثووا. این تغییر در کارا کتر از کجا آمد؟ برای فهم آن باید به باب ۳۸ و داستان تamar بازگردیم.

به یاد می‌آوریم که تamar با دو پسر بزرگتر یهودا ازدواج کرد که هر دو مردند و او را بیوه ای بدون فرزند به جا گذاشتند. یهودا از ترس آنکه این سومین فرزند هم به سرنوشت آنها دچار شود، او را از تamar دور نگه داشت. آنگاه تamar دیگر قادر به ازدواج مجدد و آوردن فرزند نبود. تamar در برابر این شرایط چاره ای اندیشید و خود را به شکل یک روسپی درآورد. یهودا با او همبستر شد و تamar حامله شد. یهودا بیخبر از لباس مُبَدَل او نتیجه گرفت که باید رابطه ای نامشروع گرفته باشد و از این روی دستور داد که او را بکشند. در این لحظه تamar که در لباس روسپی مُهر، گردنبند و شال او را گرو گرفته بود، آنها را همراه پیامی به نزد یهودا فرستاد: "پدر فرزند من همان مردی است که این اشیاء به او تعلق دارند."

یهودا اینک متوجه کل داستان می‌شود. او نه تنها تamar را در موقعیتی ناممکن برای زیستن همچون یک بیوه قرار داده بود، و نه تنها پدر فرزند او بود، بلکه درمی‌یابد که تamar با احتیاط بسیار جهت شرمنده و افشاء نکردن حقیقت رفتار کرده بود. با این حرکت تamar است که قاعده‌ی "بهرتر است خود را درون تنوری آتشین بیندازی، اما فرد دیگری را نزد همگان شرمنده نسازی" وضع شد. تamar قهرمان داستان است، اما این امر نتیجه ای برجسته به دنبال دارد. یهودا به خطای خود اقرار می‌کند و می‌گوید: "او از من درستکارتر است." این نخستین بار است که در توراه کسی به تقصیر خود اعتراف می‌کند. همچنین چرخشگاهی در زندگی یهودا است. در اینجا برای نخستین بار، توانایی تشخیص خطای خود، احساس پشیمانی و دگرگون شدن، متولد می‌شود؛ پدیده ای پیچیده به نام تثووا که بعدها به صحنه‌ی عظیم در

پاراشای وییگش می انجامد؛ صحنه ای که یهودا رفتار قبلی خود را معکوس می کند و خلاف عمل پیشین خود را اجرا نماید. یهودا ایش تشووا است، یعنی مرد توبه کرده.

اینک اهمیت نام او را می فهمیم. فعل لهودوت دو معنا دارد. یکی "تشکر کردن" که لثا نام پسر چهارم خود یهودا را بر اساس آن می گذارد: "این بار از خدا تشکر خواهم کرد." اما همچنین به معنای "پذیرش، قبول" است. واژه‌ی توراتی 'ویدویی' یا اعتراف از آن زمان تا امروز بخشی از روند تشووا بوده است و بنا به ربی مشه بن مایمون [هارامبام] عنصر کلیدی آن از همین ریشه می آید. یهودا یعنی "کسی که به گناه خود اقرار دارد."

اینک همچنین یکی از اساسی ترین عناصر تیشووا را می فهمیم: "ربی اباهو گفت: جایی که توبه کردگان می ایستند، حتی صدیقان کامل نمی توانند بایستند" (براخوت ۳۴ ب). شاهد آن در متن آیه‌ی یشعیا ۵۷:۱۹ است: "صلح و صلح بر کسی که دور بود و بر کسی که نزدیک است." این آیه کسی که "دور بود" را مقدم بر کسی که نزدیک است، می داند.

بنا به تلمود، اما خوانش ربی اباهو به هیچ روی به هیچ روی خالی از چون و چرا نیست. ربی یوحنان "دور" را "دور از گناه" تفسیر می کند و نه "دور از خدا". اثبات واقعی آن یهودا است. یهودا نخستین توبه کرده در تورا است. یوسف در سنت تلمودی به صورت یکدست هَصَدِیق دانسته می شود. یوسف دومین نفر پس از پادشاه *mishneh* *le-melech* دانسته می شود. اما یهودا پدر پادشاهان یهود می شود. جایی که یهودای توبه کرده می ایستد، حتی یوسف که صدیق کامل است، نمی ایستد. یک فرد هرچند بزرگ، ممکن است به سبب طبیعت خود چنین باشد. اما فردِ قادر به رشد و تغییر، از او بزرگتر است. این چنین است قدرت توبه و این قدرت با یهودا آغاز می شود.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @RabbiSacks
The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved